

منطق یک خواهر و کج اندیشی های «جهانگیر خراسانی»

دیشب نوشته از یک خواهر محترم را در سایت گفتمان خواندم که با منتهی ادب و اخلاق به جواب شخصی بنام جهانگیر خراسانی پرداخته است. بعداً به سایت خاوران رفتم و نوشته این آقا را به جواب این خواهر مطالعه کردم. با خودم به فکر فرو رفتم و بیاد این سخن مشهور افتادم که میگویند:

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنر اش نهفته باشد

بلی این آقا خراسانی تنها به قاضی میروید مدعی وجود دارد اما مدعی علیه درین معرکه وجود ندارد... او نه تنها خواهر ملیحه ترکانی را عقده مند، اجیر و اسیر، کور باطن، کمونیست، تروریست میداند بلکه نصف نفوس افغانستان را جاهل، بیمایه و نوکر بیگانه میداند بلکه هر بد و ردی که از نوک خامه اش میچکیده را مذايقه نمیکند.

این چنین برخورد با یک خواهر با یک برادر و بایک دیگر اندیش تنها میشود. از مغز یک بیمار اخوانی متحجر، بیفرهنگ و نادان تراوش کند. زیرا این طایفه بر خلاف موازین اخلاقی و ژرنالستی و برای جلوه دادن اندیشه های بیمار خود مثل افیونی های ما هر چستو و چتباتی که در دل شان چنگ زد را روی کاغذ میریزند و عاقبت آنرا فکر نمیکند. خیال میکنند مردم ما درین سه دهه جنگ هیچ شعور سیاسی نگرفته و دوست دشمن را از هم تفکیک کرده نمیتوانند. خیال میکنند همه مردم مثل آنان هم از خدا و هم از مردم بیگانه اند. گرچه آن خواهر محترم جواب های کوتاه و دندان شکنی به این بی انصاف داده است. اما این کفایت نمیکند. ما باید با مشیت به دهن این خابینین بی وطن و مردم آزار بزنیم.

با نظر داشت این نکته که پدیده ای اخوانیت در افغانستان مربوط به یک ملیت و یک قشر خاصی از جامعه ما نبوده و از هر گروه، هر ملیت و تبار را شامل میشود باید به آقای جهانگیر خراسانی گفت: مگر در جنگ های مقاومت ملی افتخار پیروزی جهاد علیه اشغالگران شوروی را تنها شما اخوانی ها کما می کرده اید؟ مگر از واکان تا هرات و از خوست تا بلخ به این پروسه از شعله ای ها، سامایی ها، رهایی ها، سازایی ها و دیگر وطنپرستان سهم نداشتند؟ مگر رادمردانی را که صرف به خاطر تنگ و ناموس و آزادی وطن جان های شیرین خود را از دست دادند همه را اخوانی میدانید؟ حالا با کدام جرعت اخلاقی خود مسئله قوم و قبیله را طرح میکنید. مگر آقای پروفیسر ربانی چهار سال رییس جمهور دولت اسلامی نبود؟ مگر قهرمان جهاد و مقاومت شما احمدشاه مسعود و شرکای حاکمیت اش را در جلسه پشاور پشتون ها و هزاره ها و از یک ها تشکیل نمیداد؟ شرم است در چهار سال اقتدار ربانی کدام درد مردم ما دوا شد. خیلی ساده میگویید ما را نگذاشتند ما را اغفال کردند ما اشتباه کردیم. ولی گاهی نمیگوید دست ما به خون مردم آغشته شد ما مردم را چه پشتون، تاجیک، هزاره، نورستانی، ترکمن و بلاخره قبیله و تبار را بر انداختیم تا محرومیت!! خود را بر سلطه مردم رفع کنیم.

شما خیال میکنید فایشست قبیله خاصی است. شما تبلیغات خود را بیشرمانه به نام ملیت به واژه فایشیسم پیوند میدهید. من از شما میپرسم آقای جهانگیر خراسانی: فرشته حضرتی با کدام سابقه مبارزاتی اش در شهر گوتنبرگ سویدن برای زن افغان علم مبارزه را بالا کرد. او خودش اقرار میکند که نه اخوانی است و نه کمونست بوده و اگر به عقیده شما ملالی جويا یک کمونست است و پدرش هم کمونست بوده و بخاطر مبارزه کوچه و خانه بدل کرده و در ولایت فراه و هرات که مسلمان وطن و مامن اوست. پس چگونه فرشته حضرتی را با خانم ملالی جويا مقایسه میکنید!!

قرشته حضرتی زیاد عمر خود را در جامعه غرب گذرانده او بعد از آشنایی و با پیوند به «هارون امیرزاده» از سازمان های بد نام جاسوسی غرب ماهانه پنج هزار دالر حق الزحمه اخذ مینماید و از جمله مبلغ دو هزار آنرا به فرزند آقای رهین پرداخت نموده و در سایت خاوران به پروژه تفرقه افکنی و میان اقوام و ملیت های وطن

کار میکند. تمام دانش خانم حضرتی خواندن مقاله از روی خط است و از تحصیل به ذره بین در حیات اش چیزی دیده نمیتوانی.

هارون امیرزاده برایش مینویسد و برنامه هایش را در رادیوی نام نهاد پیام زن گردانندگی میکند. هارون امیرزاده در سویدن از جمله همان مداری های هست که سفید را سیاه و زرد را سرخ نشان میدهد. من یقین دارم که همین هارون امیرزاده است که با نام مستعار جهانگیر خراسانی در بدل گرفتن معاش کافی از قانونی، ربانی، سیاف و اسماعیل پول میگیرد و به تعریف شان مینشیند. تنها او است که فرشته حضرتی را به فرشته نجات زن در اروپا تبدیل کرده و با ترتیب پروگرام ها و مصاحبه های با بزرگترین جنایتکاران تاریخ افغانستان چون برادران مسعود، عبدالله، یونس قانونی و تفرقه افکن بزرگ قوی کوشان از سود های باد آورده ای بانک های امارات متحده بنام توفیق زیاد و برهان الدین ربانی لقمه چربی را نصیب میشود. اما این جارو جنجال او و همکاران او جای را نمیگیرد و صرف مثل یک تابلیت مسکن لحظه ای درد های شانرا تسکین داده و نفرین ابدی مردم افغانستان را به نام فرشته حضرتی هارون امیر زاده و تمویل کنندگان پروژه ای شان ثبت تاریخ میکند.

اما در مورد ملالی جویا باید گفت که دشمنان او مشخص و همه از یک قماش اند. اگر چنین نیست چرا تنها جهادی ها علیه او از بهتان و تهمت دست بر دار نیستند در حالیکه قرار آخرین احصایه ها آقای ربانی دارنده ششصد میلیون دالر، گلبدین حکمتیار هفتصد میلیون دالر، رسول سیاف پنجصد میلیون دالر و حضرت صبغت الله سیصد میلیون دالر را در بانگ ها نخیره نموده اند و بیشرمانه به چوکی های پارلمان و سنا تکیه زده اند باز هم به چور و چپاول دارایی های عامه دست میزنند؟ حالا شما به زبان خود میگوید که چرا ملالی جویا از ترس همین جنایتکاران در زمان جهاد از یکجا به جای دیگر میگریخت... این واضح است او زیرا میگریخت که این دزدان سرگردنه را به مردم معرفی میکرد و آنان شب و روز در پی او بودند و مردان انتحاری خود را بر نابودی او تشویق میکردند. شما میگوید پدر اش یک شعله ای بود... تا حال خیانتی را که شعله ای ها کرده اند باز گو کنید. چند راکت بالای شهر کابل فیر کردند. چند قصر در دوی دارند؟ کدام شعله ای دست اش به خون مردم کابل و ولایات دیگر آلوده است؟! مگر شعله ای از خلقی پرچی ها از جمعیتی ها از وحدتی ها و از اتحاد اسلامی ها و از دوستی ها بخاطر آلوده نبودن دست شان به خون مردم جرم و جنایت روی سفید تر نیستند؟

باز هم تنها به قاضی رفتید. اگر کمونیست ها پانزده سال حکومت کردند. لب خشک وطن را ترک کردند و شما نمیتوانید یکی از قصر های آنان را در دوی، اسپانیا، قبرس، لندن، لاس آنجلس، در شیرپور کابل نشانی بدهید. همگی شان تقریباً در اروپا پناه موقت گرفته و با روز مزدوری نفقه خانه ای خود را پیدا میکنند. اما جهادی های شما همین اکنون شرکت های مختلط، فروشگاه های دوره ای و موسسات انتفاعی را در سر تا سر جهان توسعه داده اند و سود میبرند. ببینید چقدر از خدا بیگانه هستید که با دروغ به چشم مردم خاک میزنید.

هیچ شبی نیست که قصه های شقاوت و بربریت جهادی ها مقابل مردم از طریق تیلوویزیون افغانستان بنام قصه های جنگ پخش نشود. هیچکسی قاچاقبر مواد مخدره را غیر از دوستان جهادی شما نمیداند. شما و دوستان جهادی شما باعث خرابی وطن، نفاق میان مردم و شکستن وحدت ملی هستید. شما گماشتگان امریکا و انگلیس هستید ولی برف بام خود را به بام دیگران می اندازید. کدام حقیقت را ملالی جویا کتمان کرده است؟! شما در طول وقایع و حقایق به خاطری میروید که همچون دوستان جهادی خود میخواهید به نحوی بیگناهی خود را در مسایل ثابت کنید. رفتن به عرض کار ساده ای نیست. در آن صورت مجبور خواهید بود از جلسه رهبران مجاهدین در پاکستان، تا آمدن ربانی به کابل و شروع جنگ با بین التنظيمی حقایق را هر چند شکسته و یا به نفع شما باشد بیان کنید. شما در عرض موضوعات باید دلایل خود را به خاطر کمونیست های چون عبدالرشید دستم، نبی عظیمی، آصف دلاور، فرید مزدک، جیلانی باختری، عیدالوکیل و غیره و غیره شرح دهید و درعین زمان عوض کردن کوچه با آنان کشتار افشار، جنگ با حزب وحدت و مقابله با نیرو های عبدالرشید دستم را حتی اگر دروغ نزدیک به راست باشد شرح دهید.

آقای جهانگیر خراسانی آیا گاهی از این رهبران خود پرسیده اید جهادی را که علیه نیرو های دستم اعلان کردید و طی آن مکروریان اول را ویران و اضافه هزاران باشندگان آنرا قتل عام و یا مهاجر ساختید چه بود و بر مبنی کدام دستورات قرآن شریف بود؟

مگر شما نیویدید که وزارت داخله و ارگ شاهی را به کمک نیرو های دستم از چنگ نیرو های حکمتیار بیرون کردید. مگر جناب پروفیسر صاحب ربانی را نیرو های دستم به قصر نبرد. مگر قهرمان شما آقای احمدشاه مسعود را نیرو های دستم از جبل السراج به کابل نیاورد؟ آنگاه مسلمان بودند ولی وقتی جبهات شما در کابل جایگزین شد یکباره همه کافر شدند و جهاد علیه آنان وظیفه اسلامی شما!!! وقتی عبدالعلی مزاری رهبر هزاره ها با تضرع فریاد میزد که کابل را غیر نظامی ساخته و حاکمیت را به همه ملت بسپارید. جوابش آن بود که به افشاره حمله نموده و حتی شکم زنان باردار را پاره و نوزاد اش را به پرچه ای کلشینکف خود زده و خنده ای مستانه سر دهید؟

آقای جهانگیر خراسانی اگر شما راستی مجاهد هستید سر خود را به گریبان خود بیاندازید. در تخرار و قندوز قوماندان های شما زنان مردم را به زور تصاحب کردند. قصه تبادل یک دختر سیزده ساله یک زن بیوه، تجاوز دستجمعی با وی و تبادل اش در مقابل یک سگ جنگی را در سرتاسر دنیا و از طریق تیلوویزیون ها شنیدند. جناب عطامحمد خان والی بلخ با دسته اش از بچه بازی گرفته تا قمار را رواج داده و خود در این معرکه ها شریک اند و بر علاوه بلند منزل های غرب مزار و سرمایه های در بانک های امارات بنام خالد نور و طارق نور را شاید شما خبر ندارید. آقای سیاف همدست و همکار شما زمین های مردم پغمان را به زور برچه غصب و در محابس خصوصی اش دست به جنایت میزند. مارشال افتخاری شما فهیم شیرپور را میان اقوام و دوستان اش تقسیم کرد و این بر علاوه تمام جنایاتی است که بنام جبهات پنهانی در قاچاق مواد مخدره دست دارد. افغانستان را به یاری باداران انگلس و امریکایی خود گروگان گرفته اید.

خانم ترکانی چه ضرورت دارد که به سیاف و ربانی دشنام بدهد. نفرین حد اقل بیست ملیون مردم افغانستان روز و شب به آدرس ربانی و سیاف، دستم، قانونی، اسماعیل، علومی، گلابزوی، صبغت الله، خلیلی و دیگران حواله میشود؛ همین کفایت نمیکند؟ اگر باور ندارید آه وناله های مردم کابل را از طریق تیلوویزیون آقای بیات گوش کنید. اصلا سیاف و ربانی چرا نفرین نشوند. باشد که حرف این مردم را کسی به زرکی نخرد. و این هم در حرکت طولی شما بخاطر دفاع از ایشان بحساب شما میبخشم. تا وقتی امریکا و انگلیس تکیه گاه آنان است راستی حرف مردم جایی را نمیگیرد اما زمانیکه پشتیبانی آنان را از دست دادند بدان که گوشت های شان نصیب سگ های گرسنه ای کابل خواهد شد.

آقای جهانگیر به جواب یکزن مینگارد و انگاه شانه های خود را بالا انداخته و با طمطراق موفقیت خود را چنان بیان میکنید. تو هم برو و به نام سیاف و ربانی چند دشنام بده مردم ترا تقدیس میکنند. واه واه به این منطق و واه واه به این شجاعت!! هر گاه شما شرم داشته باشید با آنچه گفته آمدم از وحدت ملی دم نمیزنید زیرا وحدت ملی را شما با اتحاد های با کمونیست ها، قاچاقبران مواد مخدره، امریکا و انگلس برای حفظ منافع قشری خود قبلا بر باد دادید. شما ضد پشتون، هزاره، شما ضد آزبک، شما ضد روشنفکر در مقاطع مختلف تاریخ عمل نموده اید. حالا شاید تاریخ را فراموش نموده و بنا بر آن گفتار ملالی جویا و نظریات هرکس دیگر که علیه شماست پوچ است و تنها شماستید که ویران میکنید، چپاول میکنید، غصب میکنید، تجاوز میکنید و با آن هم حرف شما ها درست و حسابی است. مشک آنست که خود گوید نه عطار. شما بیخود عوض چند جنایتکار لهو و لهب زمزمه نکنید. بگذارید بالاخره آنان هم دلایلی برای تبرع خود خواهند داشت.